چالـ ـش

ویژه نامه چالش, شماره ۲, ۱ آذر ۱۳۸۵

عضو انجمن اسلامي دانشجويان دانشكده دندانپزشكی تبريز : تك صدايي در دانشگاه‌ها برخلاف سياست‌هاي كلي نظام است

يك عضو شوراي انجمن اسلامي دانشجويان دانشكده دندانپزشكي تبريز، گفت: برخي برخوردهاي صورت گرفته با دانشجويان مناسب نيست و مسوولان دانشگاه بايد با اعضاي تشكل‌هاي مختلف دانشجويي درست برخورد كنند .حسين رسولي در گفت‌وگو با خبرنگار سياسي خبرگزاري دانشجويان ايران (ايسنا)، تصريح كرد: متاسفانه وضعيت دانشگاه چندان مطلوب نيست و نگاه خوبي به تشكل‌هاي دانشجويي وجود ندارد. در حال حاضر در فضاي دانشگاه سكوت سياسي حاكم شده است و به دليل اهميت ندادن به تشكل‌هاي دانشجويي اين سكوت تشديد خواهد شد وي، با اشاره به احضار عده‌اي از دانشجويان دانشگاه تبريز و علوم‌پزشكي به كميته‌ي انضباطي بيان كرد: عده‌اي از دانشجويان مدتي است كه به كميته انضباطي احضار مي‌شوند و صادر شدن حكم براي دانشجويان باعث ايجاد مشكل خواهد شد .رسولي، با اشاره به احضار حامد توفيق به كميته‌ي انضباطي و صدور حكم يك ترم تعليق با احتساب سنواب، تويخ كتبي، درج در پرنده و محدوديت از تحصيلات خوابگاهي براي وي، خاطرنشان كرد: انجمن اسلامي مي‌گويد كه سياست تك صدايي در دانشگاه‌ها برخلاف فرمايشات مقام معظم رهبري و سياست‌هاي كلي نظام است .اين فعال دانشجويي ابراز عقيده كرد: انتظار مي‌رود كه مراجع اصلي تصميم‌گيري در وزارت علوم و وزارت بهداشت با در پيش گرفتن سياست انعطاف و تحمل انتقاد، از به انزوا كشاندن دانشجويان و فضاي تك صدايي در دانشگاه‌ها جلوگيري كنند، اين امر با توجه به در پيش بودن انتخابات شوراي شهر و روستا و انتخابات خبرگان امري ضروري است.

تعليق = تشويق به ...

در تقسيم بندي جوامع مختلف از لحاظ سياسي به رفتار هيئت حاكمه و سياستهاي آنها بخصوص در مواجه با منتقدان و مخالفان توجه ويژه مبذول مي شود.بدين ترتيب اعمال سياسي حاكميت در جهت مواجهه و يا مقابله با منتقدان و مخالفان در طيف وسيعي از اجازه دادنها و فضاهاي باز سياسي و حتي در برخي موارد،دادن اختيارات و امكانات دولتي و عمومي در اختيار اين منتقدان و مخالفان تا بستن فضاي سياسي و ايجاد رعب و وحشت مستقيم يا غير مستقيم با برخوردهايي با منتقدان و مخالفان قرار دارد.با توجه به اين نوع سياستها و برخي عوامل ديگر نوع حاكميتها در جوامع مختلف ،از حكومتهاي كاملا دموكراتيک تا حكومتهاي توتاليتر و استبدادي را شامل مي شود.اما هدف اين مقاله باتوجه به تيتر آن تقسيم بندي حاكميتها نيست بلكه درصدد است تا در نظر نگارنده نتايج سياستهاي ياد شده در جوامع را از نگاهي ديگر بررسي كند.

در هر جامعه اي بلا استثنا با وجود يافتن و تشكيل ايده اي موافقان و مخالفان پديدار مي شوند.حال نوع مخالف باز طيف وسيعي از منتقد تا معاند را دربرميگيرد.پس وجود مخالف يک پديده اجتماعي محسوب مي شود كه در هر جامعه اي يافت مي شود.چه اين پديده اجتماعي نوعي منفعت اجتماعي بحساب می آيد كه به خلاف رفتن جوامع را كنترل و نقادي و حتي مخالفت ميكند و در جهت توازن بكار مي رود.

اما نوع سياستهاي اشاره شده در بالا در برخورد با منتقدين و مخالفان چه نتايجي را براي جامعه و حاكميت در بر دارد.اين بحث را در فضاي سياسي متفاوت بررسي مي كنيم.

۱-فضاي باز سياسي(به معناي اعم كلمه) ۲-فضاي بسته سياسي(به معناي اعم كلمه)

۱-فضاي باز سياسي(به معناي اعم كلمه):اين نوع فضا كه كاملا بصورت باز،فضاي ايده آلي بنظر ميرسدودر جوامع دموكراتيک ديده ميي شود.در اين جوامع بجز از اعمال و حركتهاي آنارشيستي كه نظم جامعه را برهم ميزند و ضرر و زيان كل جامعه را در پي دارد،هر گونه انتقاد و مخالفت و حتي مخالفت با كل ساختار موجود-چه ساختار سياسي و چه ساختار اجتماعي–آزاد مي باشد.چنانچه آمد حتي در برخي موارد بخصوص در كشورها امكانات دولتي و عمومي نيز در اختيار اين منتقدان و مخالفان قرار مي گيرد.اما در اين جوامع چون تمامي ادعاها و مخالفتها باز و آشكار است ،حتي مي توان در جهت سازماندهي اين حركتها كار كرد.ساختار سياسي اين نوع جوامع كه پيوند سخت و تنگاتنگي با ساختار اجتماعي جامعه بدليل ساختار سياسي حاكميت(كه همان دموكراتيک بودن آن است)ثابت مانده و مخالفتها در درون اين ساختار حل و فصل مي شود.در اين جوامع هم منتقد و هم مخالف حاضر و مشخص است و صراحت مخالفت در حدي مشخص(نه كمتر بلحاظ ترس سياسي) وجود دارد.

۲-فضاي بسته سياسي:اما با بستن فضاي سياسي انتقادهاي كلي و ساختاري بدليل برخوردهاي سياسي از زندان گرفته تا اعدام به انتقادهاي جزئي تر و در صورت توتاليتر بودن حاكميت كه خطرناكتر از استبداد است،به خفقان و حتي در برخي موارد به تاييد منجر مي شود.برخوردهاي شديد حاكميت با منتقدان و مخالفان موجب سكوت ظاهري آنان مي شود.اما چون حس حق طلبي (حتي از نوع فردي)انسان خاموش شدني نيست به فعاليتهاي خود ادامه مي دهد.اما اينبار فعاليتها نه بصورت رسمي و ظاهري و صراحت كه زندان و اعدام در پي دارد بلكه بصورت زيرزميني راه خود را طي مي كند و موقعي كه بقدرت اجتماعي رسيدخود را نمايان مي سازد.شايد اين نوع حاكميت و مبارزه با مخالفت،چندين سال دوام آورد و حاكميت حكومتي را تضمين كند ولي روزي خواهد رسيد تا شعله هاي آتش زير خاكسترها و فعاليتهاي زير زميني نظم و آرامش سياستمداران را برهم زند . شايد با توجه به شكننده بودن اين نوع حاكميتها –با توجه به استبدادها و توتاليتر بودنشان-موجب انقلابي شودكه دودمان عده اي را بر باد داده و عده اي ديگر را... .

تا اين موقع و بتجربه ي تاريخي ثابت شده است هيچ حاكميتي نتوانسته جلوي حق طلبي افراد اجتماع زير سلطه خود را بدست آورد.

چنانچه ذكر شد تحديد فضاي سياسي بنفع شخصي ، موجب سوق و تشويق اعمال سياسي از صراحت و آشكاري بسوي فعاليتهاي مخفي و زيرزميني كشيده خواهد شد.كه در اين صورت نه به نفع حاكميت خواهد بود و نه به نفع جامعه و اجتماع.

درک انتقاد و در حد اعلاي آن, مخالفت ,نه تنها موجب تضعيف حاكميت نمي شود بلكه موجب تحكيم آن همچون جوامع دموكراتيک شده و شكنندگي حاكميت را به نرمي و مداومت آن تبديل خواهد كرد.

نتيجتا با استفاده و بكارگيري علوم و با بهره گيري از تجارب تاريخي شخصي خود و حاكميت ها و جوامع ديگر مي توان حاكميتي مسلط و تحكيم شده با عرض اندام و وجود منتقدان و مخالفان داشت و جلوي تشكيل فعاليت هاي زيرزميني گرفته خواهد شد.به اين لحاظ شايد بتوان نتيجه گرفت كه تعليق =تشويق به....